

تاریخ به مثابه ابزار توجیه؛ بررسی مجلد ششم تاریخ بیهقی بر مبنای نظریه تاریخ‌گرایی نو

معین کمالی‌راد^۱

چکیده

تأکید نظریات جدید ادبی بر کاربرد فنون بلاغی و ادبی در سایر متون، این امر را به خاطر می‌آورد که این اسلوب صرفاً مختص به متون ادبی نیست. شباهت‌هایی که امروزه به قلمرو ادبیات و تاریخ نسبت داده می‌شود، مرزهای محسوس این دو را دچار خدشه می‌کند و همگونی و قرابت این دانش‌ها را تصریح می‌نماید. مورخان برای آنکه اثر خود را به متنی منسجم و خواندنی بدل کنند، از همان عناصری بهره می‌گیرند که در داستان‌نویسی کاربرد دارد. لذا چینش، گزینش، حذف و زاویه دید داستان در خدمت اهداف مورخ سامان می‌یابد. مطابق نتایج یافته شده در این پژوهش، بازگشت به عقب در سیر طبیعی روایت در آغاز جلد ششم به این دلیل منظور گشته تا برای به قدرت رسیدن امیرمسعود غزنوی سابقه‌ای مطلوب ساخته شود. افزون بر اینکه با منسوب کردن صفات حسنه به مسعود غزنوی، پادشاهی حق طبیعی او قلمداد می‌شود. بیهقی آغاز مجلد ششم را به گونه‌ای تنظیم می‌کند تا مبدأ این جلد، که در برگیرنده تاریخ پادشاهی مسعود است، با بررسی صلاحیت‌های ذاتی او آغاز گردد، در نتیجه اعمال او در برابر برادرش بدین وسیله مشروعیت یابد.

کلیدواژه‌ها: تاریخ بیهقی، تاریخ‌گرایی نو، داستان، مسعود غزنوی

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان، رشت. ایران